

آمادگی برای خیانت زناشویی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی

Infidelity Proneness: The Role of Parenting Styles and Attachment Styles

S. Javady, M.A.

Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

A. Zeinali, Ph.D.

Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

سولماز جوادی

گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

دکتر علی زینالی

گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

دریافت مقاله: ۹۶/۶/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۷/۸/۱۹

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۱۴

Abstract

This study examines whether the different styles of parenting through the creation of different attachment styles can be effective in marital infidelity proneness. Participants in the study were 268 married students, aged ranging 20 to 46, who were selected by cluster random sampling method based on gender and educational groups. Data were collected by parenting styles questionnaire, attachment styles questionnaire, and infidelity proneness questionnaire. The data was analyzed using correlation and path analysis. The results show that authoritative parenting style by creating a secure attachment plays no role in infidelity proneness.

✉Corresponding author: Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran
email: a.zeinali@iaurmia.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر قصد دارد این موضوع را بررسی کند که آیا سبک‌های متفاوت والدینی از طریق ایجاد سبک‌های مختلف دلبستگی در ایجاد آمادگی برای خیانت زناشویی مؤثر واقع می‌شود. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۶۸ نفر از دانشجویان زن و مرد متأهل بودند که دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۶ سال داشتند و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌های شیوه‌های تربیتی والدین، سبک‌های دلبستگی و استعداد خیانت زناشویی بود. داده‌ها به کمک آزمون‌های آماری ضریب همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که سبک والدینی اقتداری با ایجاد دلبستگی ایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی نقشی ندارد.

✉نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.
پست الکترونیکی: a.zeinali@iaurmia.ac.ir

Authoritarian, permissive, and neglectful parenting styles through the creation of insecure attachment have effects in infidelity proneness.

This study emphasizes on the fundamental role of parenting styles and attachment styles in the handling of marital bright future and recommends parents to learn authoritative parenting style and change their authoritative, permissive, and neglectful ones.

Keywords: Parenting Styles-Attachment Styles-Infidelity Proneness.

سبک‌های والدینی استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا از طریق ایجاد دلبستگی نایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی مؤثر واقع می‌شوند. پژوهش حاضر با تاکید بر نقش اساسی و بنیادین شیوه‌های تربیتی والدینی و سبک‌های دلبستگی در رقم زدن آینده روشن زناشویی فرزندان، فراگیری شیوه تربیتی اقتداری و اصلاح روش‌های تربیتی مستبدانه، آزادگذار و بی‌اعتنا را در خانواده‌ها به والدین توصیه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های والدینی - سبک‌های دلبستگی - آمادگی برای خیانت زناشویی.

مقدمه

روابط فرازناشویی^۱، یکی از مخرب‌ترین مسائلی است که زوجها با آن مواجه شده و یکی از مشکل‌ترین مسائل برای درمان است (اتکینز، مارین، کلان و هالوگ^۲، ۲۰۱۰). خیانت زناشویی^۳، شامل مجموعه‌ای از رفتارهایی است که به وسیله آن، یک همسر از ارتباط معمول با همسر خود تخطی می‌کند و اقدام به تعامل با فرد دیگری غیر از همسر خود می‌کند (دریگوتاس، سافستروم و گنتیلیا^۴، ۱۹۹۹). شانین^۵ (۲۰۱۳) خیانت زناشویی را شامل سه نوع خیانت جنسی^۶، خیانت عاطفی^۷ و خیانت اینترنتی^۸ می‌داند. آمادگی برای خیانت زناشویی^۹ نیز تمایل به تماس جنسی و عاطفی با فردی غیر از شریک اولیه تعریف شده است (یارب و ال‌گیر^{۱۰}، ۱۹۹۸). فریکر^{۱۱} (۲۰۰۶) آمادگی برای خیانت زناشویی را سطحی از صمیمیت عاطفی، فیزیکی و شناختی می‌داند که یک شخص با فردی خارج از روابط اولیه زناشویی، برقرار می‌کند. عوامل متعددی را در ایجاد آمادگی برای خیانت زناشویی مطرح کرده‌اند. فلدمن و کافمن^{۱۲} (۱۹۹۹) فکر کردن زیاد به شخص دیگر یا رویاپردازی را زمینه بروز آمادگی برای خیانت زناشویی می‌داند. فریکر (۲۰۰۶) نقض تعهد را متأثر از شکل‌گیری دلبستگی نایمن دانسته که زمینه را برای خیانت در بزرگسالی فراهم می‌کند. راسل، بکر و مک نولتی^{۱۳} (۲۰۱۳) نیز دریافتند احتمال بروز خیانت زناشویی در افراد با سبک دلبستگی نایمن بیشتر است.

دلبستگی^{۱۴}، پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص زندگی خود برقرار می‌کنیم، به طوری که وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم احساس نشاط کرده و هنگام استرس از اینکه در کنار آن‌ها هستیم، احساس آرامش می‌کنیم (برک^{۱۵}، ۲۰۱۰؛ به نقل از زینالی^{۱۶}، ۱۳۹۲). به عقیده بالبی^{۱۷} (۱۹۸۰) کودکان در نتیجه تجربیات خود با مراقبان، پیوند عاطفی باثباتی با آنان برقرار می‌کنند. تفاوت در پاسخ‌های مراقبت‌کنندگان به تلاش‌های شخص دلبسته‌شونده، نه‌تنها عملکرد سیستم دلبستگی را در تعاملات مشخص و کوتاه‌مدت تغییر می‌دهد؛ بلکه به تدریج تغییرات پایدار و فراگیر در عملکرد سیستم دلبستگی ایجاد می‌کند. این تأثیرها در

حافظه بلندمدت شخص ذخیره شده و این دانش ذخیره شده مدل‌های کارکردی درون‌روانی^{۱۸} یا مدل‌های بازنمایی ذهنی را تشکیل می‌دهد. این بازنمایی درونی جزء مهمی از شخصیت می‌شود و به صورت تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای کلیه روابط صمیمی (روابط زناشویی) در آینده می‌شود. در نتیجه تعاملات والد - کودک، افراد یک سبک دلبستگی^{۱۹} ایمن^{۲۰} و سه سبک دلبستگی نایمن اشتغال خاطر^{۲۱}، هراسان^{۲۲} و دوری‌گزین^{۲۳} را بر اساس دو وجه مدل‌های کارکردی از خود و دیگران تشکیل می‌دهند. سیستم دلبستگی ایجاد شده کیفیت روابط آینده فرد را تعیین می‌کند (بارسولومو و هوروویتز، ۱۹۹۱). ارنبرگ، رابرتسون و پرینجل^{۲۴} (۲۰۱۲) دریافتند بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. افراد با سبک دلبستگی ایمن تعهد زناشویی بیشتری نسبت به افراد نایمن نشان می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین دلبستگی نایمن فرد و میزان بروز خیانت وجود دارد (راسل و همکاران، ۲۰۱۳). بین افراد با دلبستگی نایمن اضطرابی (فام و دوی^{۲۵}، ۲۰۱۳) و اجتنابی (فتحی، گرجی و اسمعیلی^{۲۶}، ۱۳۹۲) با خیانت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همان‌طور که ملاحظه شد، رشد ابعاد دلبستگی در نتیجه کیفیت تعاملات والد - کودک به وجود می‌آید (بارسولومو و هوروویتز^{۲۷}، ۱۹۹۱) که می‌تواند به روابط بزرگسالی انتقال یافته و بر رفتار، شناخت و هیجانات بزرگسالی تأثیر بگذارد (میکولینسر و شاور^{۲۸}، ۲۰۰۷). در نتیجه تعاملات والد - کودک در نظام خانواده، دلبستگی ایجاد شده و مبنایی برای تمام تعاملات بعدی وی می‌شود. به این جهت خانواده به عنوان نهاد اولیه تعیین‌کننده سلامتی و کج‌روی اعضایش محسوب شده و شیوه‌های تربیتی والدین مهم‌ترین نقش را در آن ایفا می‌کنند.

مطالعات انجام‌یافته در مورد سبک‌های والدینی مربوط به کارهای کلاسیک بامریند^{۲۹} (۱۹۷۱) است که مکوبی و مارتین^{۳۰} (۱۹۸۳) این مدل را بازنگری کردند. طبق نظر بامریند (۱۹۷۱) سبک‌های والدینی می‌تواند بر اساس دو مشخصه توقع^{۳۱} و پاسخ‌دهی^{۳۲} طبقه‌بندی شود. بر اساس این دو مشخصه، بامریند (۱۹۷۱) سه سبک والدینی را معرفی کرد؛ مستبد^{۳۳}، مقتدر^{۳۴} و آسان‌گیر^{۳۵} (آزادگذار). بعدها مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) سبک بی‌اعتنا^{۳۶} را نیز اضافه کردند. این که والدین چه سبک تربیتی داشته باشند، نتایج آن برای کودکان متفاوت خواهد بود. زینالی (۱۳۹۲) نشان داد که شیوه تربیتی مقتدر، بی‌اعتنا، مستبد و آزادگذار والدین به ترتیب رابطه مثبت و معناداری با دلبستگی ایمن، هراسان، اشتغال خاطر و دوری‌گزین فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم و معنادار آن‌هاست. الگوهای عملکرد والدینی ترسیم‌کننده آینده زناشویی فرزندان است (ماتجویک، تودورویک و جوانوویک^{۳۷}، ۲۰۱۳). بین سبک والدینی اقتداری و دلبستگی ایمن رابطه مثبت وجود دارد (کارواسیلیس، دوئل و مارکی ویسنر^{۳۸}، ۲۰۰۳). دلبستگی ایمن می‌تواند به عنوان یک عامل حمایتی در مقابل رفتارهای مشکل‌ساز در بزرگسالی ظهور کند (لوول، رنک و آگیت^{۳۹}، ۲۰۱۱). شیوه‌های تربیتی متفاوت والدین، نگرش به خیانت متفاوتی را در فرزندان ایجاد می‌کند (سبرال^{۴۰}، ۲۰۱۷). استپ و السون (۲۰۱۱) نشان دادند رابطه منفی بین سختگیری/نظارت والدین و نگرش به خیانت وجود دارد. به این معنی که هر قدر والدین در شیوه تربیتی خود سختگیرانه عمل کنند و نظارت شدیدی بر رفتارهای فرزندان اعمال کنند، نگرش به خیانت سهل‌تر خواهد بود. هم‌چنین قنبری هاشم‌آبادی، حاتمی و ورزنده، اسمعیلی و فرحبخش^{۴۱} (۱۳۹۰) دریافتند شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با تعهد زناشویی رابطه مثبت دارد.

به طوری که هر قدر والدین در شیوه‌های فرزندپروری خود مقتدرانه عمل کنند، احتمال خیانت در آینده برای فرزندان کمتر خواهد بود.

همان‌طور که ملاحظه شد، مطابق نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۰)، تفاوت در پاسخ‌های مراقبت‌کنندگان (شیوه‌های تربیتی والدین) به تلاش‌های شخص دلبسته‌شونده (کودک) به تدریج تغییرات پایدار و فراگیری در عملکرد سیستم دلبستگی کودک ایجاد می‌کند (ایمن یا نایمن) که الگو یا راهنمایی برای کلیه روابط صمیمی (روابط زناشویی) در آینده می‌شود. بالبی در نظریه دلبستگی به وضوح بیان می‌کند که روابط زناشویی متأثر از نوع دلبستگی کودک و آن هم متأثر از نحوه مراقبت والدین است. بنابراین برای آزمون مدل آمادگی برای خیانت بر اساس نظریه دلبستگی چنین فرض می‌شود که احتمالاً سبک‌های متفاوت والدینی (مقتدر، مستبد، آزادگذار و بی‌اعتنا) از طریق ایجاد سبک‌های مختلف دلبستگی (ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین) می‌تواند در ایجاد آمادگی برای خیانت مؤثر واقع شود. مطالعه حاضر با ارائه مدل علی قصد دارد بررسی کند که آیا سبک والدینی اقتداری موجب دلبستگی ایمن شده و دلبستگی ایمن نیز باعث کاهش آمادگی برای خیانت زناشویی می‌شود؟ هم‌چنین، سبک والدینی استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا موجب دلبستگی‌های نایمن شده و دلبستگی نایمن نیز باعث افزایش آمادگی برای خیانت زناشویی می‌شود؟ برای آزمون این فرضیه‌ها چهار مدل ارائه و آزمون شدند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

شرکت‌کنندگان در پژوهش دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه بودند که بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه با N نامشخص (شریفی و شریفی^{۴۲}، ۱۳۸۳) ۲۶۸ نفر برآورد شد (۱۶۹ دانشجوی زن و ۱۳۱ دانشجوی مرد). شرکت‌کنندگان در پژوهش دامنه سنی ۲۰ تا ۴۶ سال داشتند و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به تفکیک گروه‌های آموزشی (انسانی، پایه، فنی، دامپزشکی و پیراپزشکی) و جنسیت انتخاب شدند. پس از مشخص شدن گروه‌های آموزشی، به دانشکده‌های مربوطه رفته، از هر گروه آموزشی به تصادف دو کلاس انتخاب شد. جمعاً هشت کلاس مختلط با متوسط ۳۰ دانشجو در هر کلاس انتخاب شد. پس از ارائه توضیحات لازم در مورد نحوه تکمیل کردن پرسش‌نامه‌ها، پرسش‌نامه‌ها بین آنان توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شد. تمامی دانشجویان با رضایت و آگاهی از شرایط آزمون در پژوهش شرکت کردند.

ابزار

پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی والدین^{۴۳} زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا^{۴۴} (۱۳۹۰)؛ چهار شیوه تربیتی والدین (استبدادی، اقتداری، آزادگذار و بی‌اعتنا) را بر اساس مدل نظری بامریند (۱۹۷۱) و مکویی و مارتین (۱۹۸۳) از طریق فرزندان اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه برای پدر ۲۷ و برای مادر ۲۵ ماده دارد و در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی (کاملاً مخالف - ۱ تا کاملاً موافق - ۵) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بالا در هر یک از خرده‌مقیاس‌ها شدت وجود آن سبک تربیتی را نشان می‌دهد. زینالی و دیگران (۱۳۹۰)، پایایی

پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی والدین مربوط به پدر را به روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های اقتداری، استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۸۰ و مربوط به مادر را به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۰، ۰/۶۳، ۰/۷۷ گزارش کردند. روایی سازه پرسش‌نامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی برآورد شده است (زینالی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های اقتداری، استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنای پدر به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۶، ۰/۶۷ و ۰/۷۷ و برای مادر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی ون آدنون، هافسترا و بکر^{۴۵} (۲۰۰۳)، یک سبک دل‌بستگی ایمن و سه سبک دل‌بستگی نایمن (اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین) را بر اساس مدل تئوریک بالبی (۱۹۸۰) و بارسولومو و هوروویتز (۱۹۹۱) اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه دارای ۲۲ ماده است و در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی (کاملاً مخالف-۱ تا کاملاً موافق-۵) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات خرده‌مقیاس‌های دل‌بستگی ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین به ترتیب ۴-۸، ۳-۶، ۲-۴، ۲-۴ است. نمرات بالا در هر یک از خرده‌مقیاس‌ها شدت وجود آن سبک دل‌بستگی را نشان می‌دهد. پایایی این پرسش‌نامه به روش ضریب آلفا در سه کشور لهستان، روسیه و مجارستان در گروه‌های دانشجویان به ترتیب برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن ۰/۷۱، ۰/۶۷ و ۰/۷۳، برای هراسان ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۸۰ و برای اشتغال خاطر ۰/۷۰، ۰/۶۶ و ۰/۶۸ و برای دوری‌گزین ۰/۶۳، ۰/۴۹ و ۰/۶۵ گزارش شده است. سازندگان ابزار روایی سازه پرسش‌نامه را برای سبک دل‌بستگی ایمن، هراسان، اشتغال خاطر و دوری‌گزین به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۶۰، ۰/۶۹ و ۰/۶۳ گزارش کردند (ون آدنون و همکاران، ۲۰۰۳). این پرسش‌نامه توسط زینالی (۱۳۹۲) ترجمه و برای جمعیت دانش‌آموزان دبیرستانی رواسازی شده است. در پژوهش حاضر پایایی خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ در جمعیت دانشجویان برای سبک دل‌بستگی ایمن، هراسان، اشتغال خاطر و دوری‌گزین به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۰، ۰/۶۸ و ۰/۶۲ به دست آمد.

مقیاس امکان خیانت زناشویی^{۴۶} اولین بار توسط دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شده و توسط فریکر (۲۰۰۶) اصلاح و رواسازی شده است. این پرسش‌نامه از ۱۱ ماده تشکیل شده، تک‌عاملی است و نمره‌گذاری معکوس ندارد. پرسش‌نامه استعداد خیانت برای ارزیابی صمیمیت عاطفی، فیزیکی و شناختی شخص با یک فرد از جنس مخالف خارج از روابط اولیه زناشویی به کار می‌رود. برخی ماده‌های پرسش‌نامه این‌گونه طراحی شده است. «در حضور او چقدر احساس برانگیختگی می‌کردید؟»، «بین شما دو نفر چقدر خوش و بش رخ داده است؟» و «چقدر به ارتباط جسمی نزدیک با این شخص وسوسه می‌شدید؟» پاسخ‌دهندگان شدت هر احساس - رفتاری را بر اساس مقیاس هشت درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند که در آن صفر به منزله هیچ احساس - رفتار و هشت به معنای احساس - رفتار بیش از حد، یا رفتار فوق‌العاده زیاد است. نمرات بالا نشان‌دهنده درجه صمیمیت عاطفی، جسمی و شناختی پاسخ‌دهندگان با فردی از جنس مخالف، خارج از رابطه اصلی است که جذب وی شده‌اند. به گفته سازندگان مقیاس، نمره کلی لزوماً نشان‌دهنده صمیمیت فیزیکی نیست. با این حال نمره اخذشده از پرسش‌نامه با رفتار فرد ۰/۸۰ همبستگی دارد. روایی سازه مقیاس با تحلیل عاملی تأییدی، ماده‌ها را روی یک عامل به خوبی بارگذاری کرده است. پایایی مقیاس با ضریب آلفای کرونباخ ۹۳ درصد گزارش شده است (فریکر، ۲۰۰۶). پایایی پرسش‌نامه

استعداد خیانت در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد. هم‌چنین تحلیل عاملی تأییدی ماده‌های پرسش‌نامه را با بارهای عاملی ۰/۴۲ تا ۰/۸۷ روی یک عامل به خوبی بارگذاری کرد و هیچ ماده‌ای از مقیاس اصلی حذف نشد.

شیوه اجرا، طرح پژوهش و روش‌های آماری

روش پژوهش از نوع همبستگی، مدل‌یابی معادلات ساختاری است. متغیر مستقل سبک‌های والدینی، متغیر میانجی سبک‌های دلبستگی و متغیر وابسته آمادگی برای خیانت زناشویی است. داده‌ها با استفاده از یک طرح از پیش طراحی شده که در شیوه نمونه‌گیری توضیح داده شد، با مراجعه به کلاس‌های درس دانشگاه جمع‌آوری شد. قبل از اجرای پرسش‌نامه رضایت آنان برای شرکت در پژوهش اخذ و توضیحات لازم در خصوص نحوه پاسخ‌دهی، صداقت در پاسخ دادن، محرمانه بودن اطلاعات و بی‌نام بودن پرسش‌نامه ارائه می‌شد. هم‌چنین پرسش‌نامه‌ها در زمان مناسبی که به برنامه درسی دانشجویان لطمه‌ای وارد نسازد، اجرا می‌شدند. به آزمودنی‌ها بیان می‌شد که پرسش‌نامه اول مربوط به نحوه تعامل شما با والدین شماست، پرسش‌نامه دوم مربوط به نحوه تعامل شما با دیگران و در مورد پرسش‌نامه آمادگی برای خیانت خواسته می‌شد که بر اساس دستورالعمل طرح‌شده پاسخ دهند: «در این پرسش‌نامه می‌خواهیم شما به شخصی فکر کنید که با وجود داشتن همسر یا دوست جذب او شده‌اید. نمی‌خواهیم نام این فرد را عنوان کنید، اما خواهشمندیم به پرسش‌های عمومی زیر در مورد او با صداقت پاسخ دهید.» هنگام تکمیل پرسش‌نامه‌ها از دانشجویان خواسته می‌شد، در صورت وجود ابهام یا اشکال در پاسخ دادن به ماده‌های پرسش‌نامه‌ها، اعلام کنند تا راهنمایی‌های لازم به عمل آید. در نهایت، پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده جمع‌آوری و داده‌ها با آزمون‌های آماری ضریب همبستگی و تحلیل مسیر به کمک نرم‌افزار AMOS-16 تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

در پژوهش حاضر ۲۶۸ دانشجوی متأهل شرکت داشتند که ۱۶۹ نفر زن و ۱۳۱ نفر مرد بودند. شرکت‌کنندگان در پژوهش در گروه‌های آموزشی انسانی، پایه، فنی، دامپزشکی و پیراپزشکی تحصیل می‌کردند و دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۶ سال داشتند. شاخص‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش در زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک والدینی اقتداری پدر	۹	۴۵	۲۳/۳۰	۶/۲۷	-۱/۰۹	۱/۵۸
سبک والدینی استبدادی پدر	۱۱	۴۱	۲۵/۹۴	۵/۲۵	۰/۰۶	-۰/۰۵
سبک والدینی آزادگذار پدر	۵	۲۵	۱۶/۰۵	۳/۱۶	-۰/۸۲	۱/۱۵
سبک والدینی بی‌اعتنا پدر	۴	۲۰	۸/۲۵	۳/۵۴	۰/۹۰	۰/۷۳
سبک والدینی اقتداری مادر	۱۳	۴۵	۳۳/۳۸	۴/۹۸	-۰/۶۵	۱/۱۱
سبک والدینی استبدادی مادر	۷	۳۱	۱۹/۰۷	۴/۴۵	-۰/۰۵	-۰/۱۹
سبک والدینی آزادگذار مادر	۸	۲۵	۱۶/۹۰	۳/۰۰	۰/۰۲	۰/۷۳
سبک والدینی بی‌اعتنا مادر	۴	۱۹	۷/۸۶	۳/۲۴	۰/۸۹	۰/۷۱

ادامه جدول ۱

۱/۷۴	-۰/۷۳	۲/۷۰	۲۱/۷۶	۲۹	۱۰	سبک دل‌بستگی ایمن
-۰/۱۲	-۰/۱۰	۲/۸۹	۱۳/۱۳	۲۰	۵	سبک دل‌بستگی نایمن هراسان
-۰/۱۳	-۰/۵۷	۳/۶۱	۱۸/۹۷	۳۰	۹	سبک دل‌بستگی نایمن اشتغال خاطر
۰/۱۴	-۰/۱۳	۲/۰۰	۱۱/۹۲	۱۵	۶	سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی
-۱/۲۲	-۱/۱۰	۲۱/۹۷	۴۲/۳۵	۸۱	۱۰	آمادگی برای خیانت زناشویی

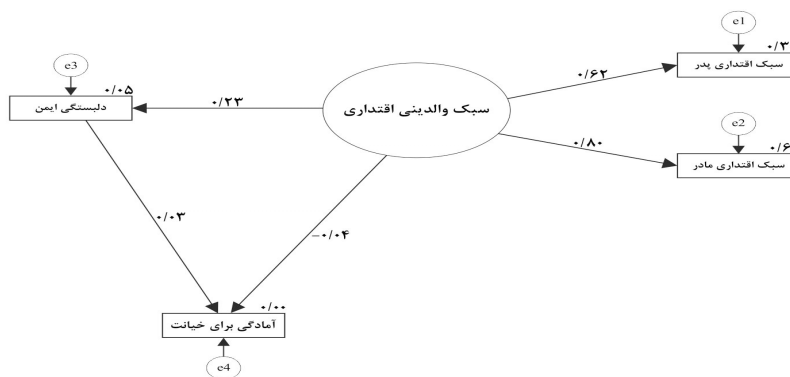
جدول ۱ نشان می‌دهد که توزیع داده‌های تمامی متغیرها نرمال است. آمارها نشان می‌دهند داده‌ها از پراکندگی لازم جهت انجام مدل‌یابی معادلات ساختاری برخوردارند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	
۱. سبک اقتداری پدر	۱												
۲. سبک استبدادی پدر	-۰/۳۳***	۱											
۳. سبک آزادگذار پدر	۰/۵۴**	-۰/۱۹**	۱										
۴. سبک بی‌اعتنا پدر	-۰/۶۶**	۰/۳۹**	-۰/۳۰**	۱									
۵. سبک اقتداری مادر	۰/۴۹**	-۰/۱۶**	۰/۳۹**	-۰/۳۷**	۱								
۶. سبک استبدادی مادر	-۰/۰۲	۰/۴۶**	۰/۰۱	-۰/۲۰**	-۰/۲۳**	۱							
۷. سبک آزادگذار مادر	۰/۲۸*	-۰/۰۶	۰/۴۳**	-۰/۲۴**	۰/۳۹**	-۰/۱۰*	۱						
۸. سبک بی‌اعتنا مادر	-۰/۳۶**	۰/۳۳**	-۰/۰۷	۰/۵۷**	-۰/۵۳**	۰/۳۴**	-۰/۴۶**	۱					
۹. دل‌بستگی ایمن	۰/۱۴*	۰/۱۰*	-۰/۱۵**	-۰/۱۲**	۰/۱۸**	۰/۱۳**	-۰/۱۰*	۰/۱۹**	۱				
۱۰. دل‌بستگی نایمن	-۰/۰۲	۰/۲۲**	-۰/۰۳	۰/۱۳**	-۰/۰۱	۰/۱۵**	-۰/۱۰*	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۱			
هراسان											۱		
۱۱. دل‌بستگی اشتغال خاطر	۰/۱۱*	۰/۲۱**	۰/۱۰*	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۹**	۰/۱۴**	۰/۰۷	۰/۱۲**	۰/۳۹**	۱		
۱۲. دل‌بستگی اجتنابی	۰/۰۵	-۰/۰۱	۰/۰۳	-۰/۱۰*	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۱۲**	-۰/۱۹**	۰/۱۳**	۰/۰۴	۰/۰۴	۱	
۱۳. آمادگی برای خیانت زناشویی	-۰/۰۴	۰/۱۲**	۰/۰۴	۰/۱۱**	-۰/۰۲	۰/۱۶**	۰/۱۸**	-۰/۱۰*	۰/۰۲	۰/۱۰*	۰/۱۸**	-۰/۱۰*	۱

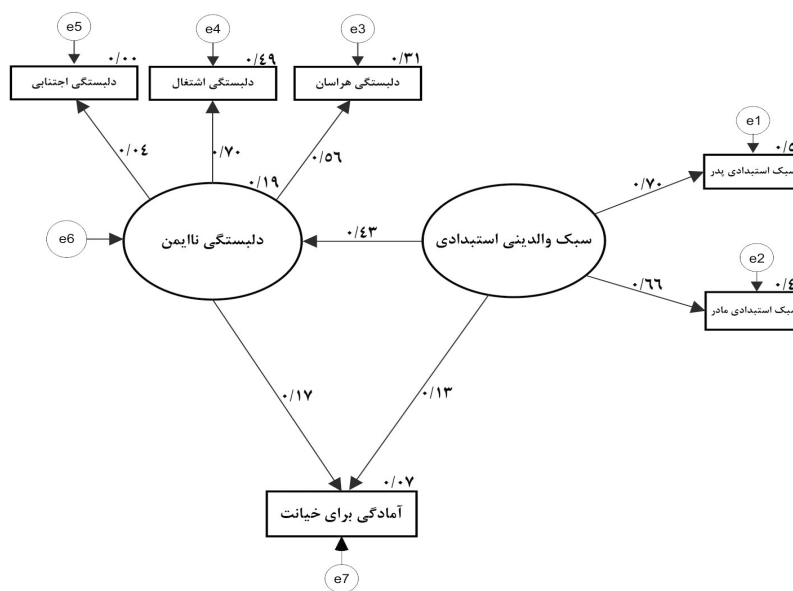
* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

بررسی ماتریس همبستگی متغیرهای مدل نشان می‌دهد، غالب متغیرهای مستقل و میانجی با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار دارند (جدول ۲). برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده ماردیا^{۴۴} استفاده شد. در پژوهش حاضر تعداد متغیرهای مشاهده‌شده مدل اول ۴ و مدل‌های دوم، سوم و چهارم، ۶ است. بنابراین عدد حاصل از فرمول به ترتیب ۲۴ و ۴۸ است. ضریب ماردیا نیز در پژوهش حاضر برای مدل اول ۵/۵۷، مدل دوم ۰/۱۸، مدل سوم ۲/۴۲ و مدل چهارم ۳/۰۶ به دست آمد که کمتر از عدد ۲۴ و ۴۸ است. بنابراین توزیع چندمتغیری داده‌ها نیز نرمال است. برای آزمون سؤال اول، مدل یک ارائه شد.



مدل ۱: آزمون مدل نظری اول پژوهش

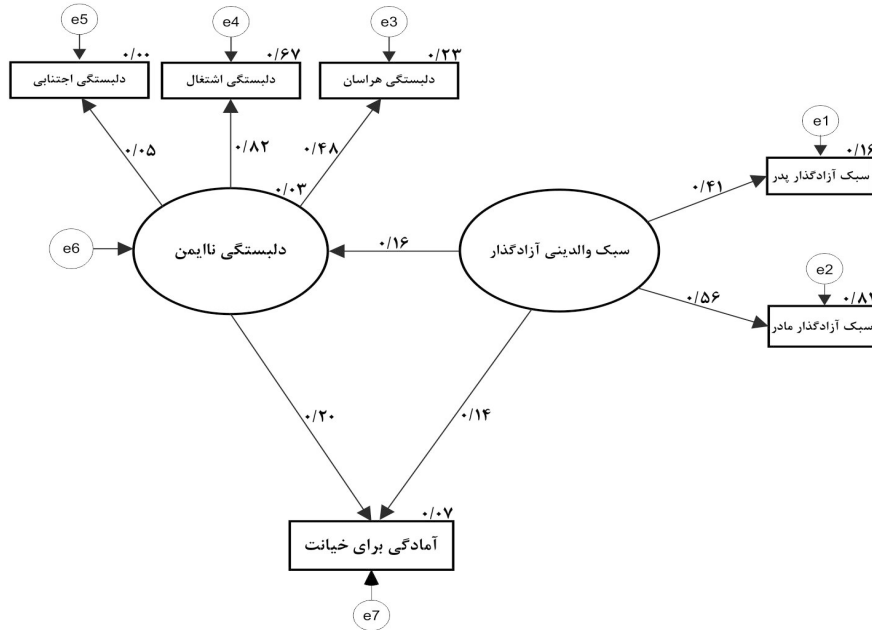
شاخص‌های برازش مدل اول، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش توکر لویس (TLI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI) ۰/۹۹، مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی (X^2/df) ۰/۲۴ و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) ۰/۰۰۱ در حد مطلوب برازش مدل با داده‌ها را تأیید کردند. در مدل ۱، اثر مستقیم سبک اقتداری والدین بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=-0/04$) معنی‌دار نیست، اما اثر مستقیم این متغیر بر دل‌بستگی ایمن ($\beta=0/23$) مثبت و معنی‌دار است. اثر مستقیم دل‌بستگی ایمن بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=0/03$) معنی‌دار نیست. در این مدل، ۵ درصد واریانس دل‌بستگی ایمن به وسیله سبک اقتداری والدین قابل تبیین است. سبک اقتداری والدین و دل‌بستگی ایمن هیچ واریانس مشترکی با آمادگی برای خیانت زناشویی ندارند. سبک والدینی اقتداری به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد دل‌بستگی ایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی نقشی ندارد. برای آزمون سؤال دوم، سه مدل ارائه شد. در زیر مدل دوم آورده شده است.



مدل ۲: آزمون مدل نظری دوم پژوهش

شاخص‌های برازش مدل دوم، شاخص نیکویی برازش ۰/۹۹، شاخص برازش توکر لویس ۰/۹۹، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش هنجار شده ۰/۹۵، مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی ۱/۰۱ و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب ۰/۰۳، در حد مطلوب برازش مدل با داده‌ها را تأیید کردند. در مدل دوم، اثر مستقیم سبک استبدادی والدین بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=0/13$) و دل‌بستگی نایمن ($\beta=0/43$) مثبت و معنی‌دار است. اثر مستقیم دل‌بستگی نایمن بر آمادگی برای خیانت زناشویی نیز ($\beta=0/17$) مثبت و معنی‌دار است. در این مدل، ۱۹ درصد واریانس دل‌بستگی نایمن به وسیله سبک استبدادی والدین و ۰/۰۷

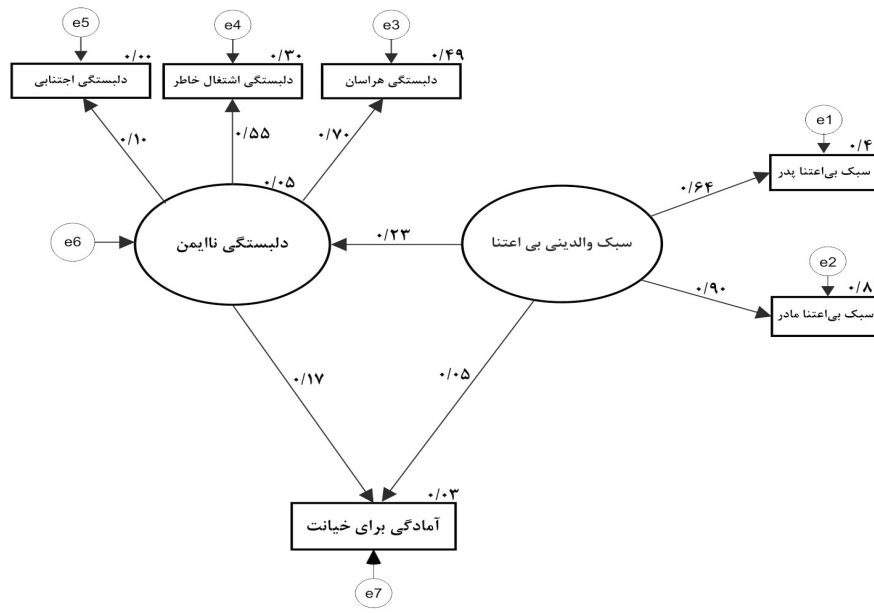
درصد واریانس آمادگی برای خیانت زناشویی به وسیله سبک استبدادی والدین و دلبستگی ناایمن قابل تبیین است. سبک والدینی استبدادی به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد دلبستگی ناایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی اثرگذار است. در زیر آزمون مدل سوم آورده شده است.



مدل ۳: آزمون مدل نظری سوم پژوهش

شاخص‌های برازش مدل سوم، شاخص نیکویی برازش 0.99، شاخص برازش توکر لویس 0.93، شاخص برازش تطبیقی 0.97، شاخص برازش هنجار شده 0.92، مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی 1.56 و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب 0.05 در حد مطلوب برازش مدل با داده‌ها را تأیید کردند.

در مدل سوم، اثر مستقیم سبک آزادگذار والدین بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=0.14$) و دلبستگی ناایمن ($\beta=0.16$) مثبت و معنی‌دار است. اثر مستقیم دلبستگی ناایمن بر آمادگی برای خیانت زناشویی نیز ($\beta=0.20$) مثبت و معنی‌دار است. در این مدل، 16 درصد واریانس دلبستگی ناایمن به وسیله سبک آزادگذار والدین و 0.07 درصد واریانس آمادگی برای خیانت زناشویی به وسیله سبک آزادگذار والدین و دلبستگی ناایمن قابل تبیین است. سبک والدینی آزادگذار به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد دلبستگی ناایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی اثرگذار است. در زیر آزمون مدل چهارم آورده شده است.



مدل ۴: آزمون مدل نظری چهارم پژوهش

شاخص‌های برازش مدل چهارم، شاخص نیکویی برازش ۰/۹۹، شاخص برازش توکر لویس ۰/۹۳، شاخص برازش تطبیقی ۰/۹۷، شاخص برازش هنجار شده ۰/۹۶، مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی ۱/۷۹ و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب ۰/۰۵ در حد مطلوب برازش مدل با داده‌ها را تأیید کردند. در مدل چهارم، اثر مستقیم سبک بی‌اعتنای والدین بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=0/05$) معنی‌دار نیست، اما اثر مستقیم این متغیر بر دلبستگی ناایمن مثبت و معنی‌دار است. اثر مستقیم دلبستگی ناایمن بر آمادگی برای خیانت زناشویی ($\beta=0/17$) مثبت و معنی‌دار است. در این مدل، ۰/۰۵ درصد واریانس دلبستگی ناایمن به وسیله سبک بی‌اعتنای والدین و ۰/۰۳ درصد واریانس آمادگی برای خیانت زناشویی به وسیله سبک بی‌اعتنای والدین و دلبستگی ناایمن قابل تبیین است. سبک والدینی بی‌اعتنا به طور مستقیم در آمادگی برای خیانت زناشویی اثری ندارد، اما با ایجاد دلبستگی ناایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی اثرگذار می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

روابط فرزندناشویی نه تنها موجب آسفتگی و از هم پاشیدن زندگی خانوادگی می‌شود؛ بلکه حکایت از آسیب روانی و مشکلات زیرساختی تربیتی دارد. مرور ادبیات پژوهشی در حیطه مطالعات طولی نشان می‌دهد تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین در فرزندان در تمام مراحل رشد تداوم دارد (دارلین^{۴۸}، ۱۹۹۹). ون آیزندورن و بکرمن - کرانینبرگ^{۴۹} (۱۹۹۷) مدلی را ارائه دادند که در آن شیوه مراقبتی والدین پیش‌بینی‌کننده مستقیم الگوی دلبستگی در کودک است. والدین پاسخ‌ده و حساس به نیازهای کودک، الگوی دلبستگی ایمن در

کودک ایجاد می‌کنند و والدین سرد و غیرحساس به نیازهای کودک، الگوی دل‌بستگی ناایمن در کودک ایجاد می‌کنند. سبک‌های والدینی توصیف‌شده به وسیله بامریند (۱۹۹۱) و مکویی و مارتین (۱۹۸۳) توصیفی از رشد سبک‌های دل‌بستگی متفاوت را ارائه می‌دهند (اسپیرس نومیستر و فینچ^۵، ۲۰۰۶). سطح پایین گرمی و محبت، مراقبت نامنظم، طرد و اعتقاد به تنبیه والدین با دل‌بستگی ناایمن رابطه دارد. حساس بودن، پذیرش و ثبات هیجانی مادر با دل‌بستگی ایمن کودک رابطه دارد (مارتنز^۵، ۲۰۰۶؛ پولک^۵، ۲۰۰۸).

بالبی (۱۹۸۰) معتقد بود که دل‌بستگی در رابطه والد - کودک به رابطه عاشقانه در بزرگسالی انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجان‌ات، در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تأثیر بگذارد. بر این اساس، امنیت را می‌توان به عنوان هسته نظام دل‌بستگی در روابط دل‌بستگی بزرگسالی توصیف کرد. یک رابطه امن با فردی صورت می‌پذیرد که نسبت به او احساس دل‌بستگی بشود. این ارتباط امن بیشتر با همسر شکل می‌گیرد و همسر شکل اولیه دل‌بستگی و منبع عمده امنیت و احساس آرامش است. افرادی که احساس ایمنی می‌کنند، به همسر خود دل‌بستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند.

در پژوهش حاضر یافته شد که سبک والدینی اقتداری با ایجاد دل‌بستگی ایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی نقشی ندارد. یافته پژوهش حاضر با پژوهش زینالی (۱۳۹۲) و کارواسیلیس و همکاران (۲۰۰۳) در مورد رابطه مثبت بین سبک والدینی اقتداری و دل‌بستگی ایمن همسو است. همچنین با یافته لوول و همکاران (۲۰۱۱) که بیان کرد دل‌بستگی ایمن می‌تواند به عنوان یک عامل حمایتی در مقابل رفتارهای مشکل‌ساز در بزرگسالی ظهور کند و با یافته فریکر (۲۰۰۶) مبنی بر این‌که افراد با دل‌بستگی ایمن کمتر احتمال دارد در روابط فرازناشویی درگیر شوند، هماهنگ و همسو است. والدین مقتدری که از فرزندان خود انتظار رفتارهای پخته دارند، کنترل رفتاری دارند و نظارت می‌کنند، همچنین گرم، با محبت و حمایت‌کننده‌اند و خود را در کارهای کودکان درگیر می‌کنند، دل‌بستگی ایمن را در فرزندان رشد می‌دهند. در نتیجه فرزندان نگرش مثبت به خود و دیگران پیدا می‌کنند. مطابق یافته پژوهش حاضر و یافته مطالعات پیشین، افرادی که احساس ایمنی می‌کنند، به همسر خود دل‌بستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند. چنین نگرشی می‌تواند مانع رشد آمادگی برای خیانت شده و به عنوان یک عامل محافظت‌کننده در مقابل رفتارهای خیانت‌آمیز، زندگی زناشویی با تعهدی را رقم بزند. اما سبک والدینی اقتداری به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق دل‌بستگی ایمن با استعداد خیانت رابطه معنی‌دار نداشت. این یافته با یافته مطالعه قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. آن‌ها دریافتند هر قدر والدین در شیوه فرزندپروری خود مقتدرانه عمل کنند، احتمال خیانت در آینده برای فرزندان کمتر خواهد بود. به این ترتیب دل‌بستگی ایمن میانجی بین سبک والدینی اقتداری و استعداد خیانت نیست. در واقع والدین مقتدر می‌توانند به واسطه پاسخ‌دهی بالا شامل گرمی و محبت و پذیرش به همراه کنترل رفتاری و نظارت به ایجاد یک مدل کارکردی درون‌روانی مثبت نسبت به خود و دیگران شده (اسپیرس نومیستر و فینچ، ۲۰۰۶) و از این طریق منجر به رشد تعهد و شایستگی فرزندان شوند، طوری که هنگام مواجهه با موقعیت‌هایی که در آن احتمال نقض تعهد وجود دارد، معقول و متعهدانه عمل کرده و خود را از ارتکاب به خیانت دور کنند.

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که سبک‌های والدینی استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا از طریق ایجاد دلبستگی نایمن در آمادگی برای خیانت زناشویی مؤثر واقع می‌شوند. این یافته با یافته پژوهش زینالی (۱۳۹۲) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین سبک‌های والدینی استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا با ابعاد دلبستگی نایمن و با یافته راسل و همکاران (۲۰۱۳) که نشان دادند احتمال بروز خیانت زناشویی در افراد با سبک دلبستگی نایمن بیشتر است، هماهنگ و همسو است. مطالعات نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی نایمن و میزان بروز خیانت رابطه معنی‌داری وجود دارد (راسل و همکاران، ۲۰۱۳). فتحی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان دادند کسانی که در زندگی زناشویی خود خیانت داشته‌اند، سبک دلبستگی اجتنابی داشتند. همچنین دلبستگی اضطرابی رابطه مستقیمی با خیانت زناشویی دارد (فام و دوی، ۲۰۱۳). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به درگیر شدن در روابط فراتر از دو نفر بیشتر تمایل دارند (فریگر، ۲۰۰۶).

دلبستگی در رابطه والد - کودک به رابطه عاشقانه در بزرگسالی انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات بزرگسالی تأثیر بگذارد (میکولینسر و شاور، ۲۰۰۷). والدین مستبد توقع دارند فرزندان به آنان احترام بگذارند و از آنان اطاعت کنند، رفتارها و نگرش‌های فرزندان را کنترل می‌کنند، گرم، بامحبت و حمایت‌کننده نبوده و خود را در کارهای کودکان درگیر نمی‌کنند. والدین آزادگذار گرمی و پذیرش مثبت به کودکان نشان داده، توقع کمی از آنان دارند، کنترل رفتاری نشان نمی‌دهند، از کودکان رفتارهای پخته نمی‌خواهند، از برخورد با کودکان اجتناب می‌کنند و درخواست‌های کمی در مورد مسئولیت‌ها و انضباط رفتاری فرزندان دارند. والدین بی‌اعتنا که حمایت و توجهی به فرزندان نمی‌کنند، هیچ کوششی برای کنترل رفتاری کودکان انجام نمی‌دهند و در زندگی آنان تا حدی بدون دخالت می‌مانند. این شیوه‌های والدینی، دلبستگی نایمن را در کودکان رشد می‌دهد (زینالی، ۱۳۹۰) و سیستم دلبستگی نایمن ایجاد شده، کیفیت روابط آینده (بارسولومو و هوروویتز، ۱۹۹۱) و نگرش آنان را به خیانت (سبرال^{۵۳}، ۲۰۱۷) تحت تأثیر قرار می‌دهد. طوری که افراد با سبک دلبستگی نایمن، تعهد زناشویی کمتری نسبت به افراد ایمن نشان داده (ارنبرگ و همکاران، ۲۰۱۲) و احتمال بروز خیانت در آنان بیشتر می‌شود (راسل و همکاران، ۲۰۱۳).

مطابق نظریه رابطه با محبوب، فرد به صورت ناهوشیار، روابطش را بر اساس تجارب قبلی زندگی شکل می‌دهد. تجارب اولیه فرد، انتظارات خاصی را به وجود می‌آورد که شخص در آینده در روابطش با افراد مهم زندگی در جست‌وجوی آن است (گلدنبرگ^{۵۴} و گلدنبرگ، ۲۰۰۰). عملکرد تربینی والدینی آینده زناشویی فرزندان را تعیین می‌کند (ماتجویک و همکاران، ۲۰۱۳). شیوه‌های تربیتی متفاوت والدین نگرش به خیانت متفاوتی را در فرزندان ایجاد می‌کند (سبرال، ۲۰۱۷). هر قدر والدین در شیوه تربیتی خود سختگیرانه عمل کنند و نظارت شدیدی بر رفتارهای فرزندان اعمال کنند، نگرش به خیانت سهل‌تر خواهد بود (استپ و السون، ۲۰۱۱). همچنین هر قدر والدین در شیوه‌های فرزندپروری خود مقتدرانه عمل کنند، احتمال خیانت در آینده برای فرزندان کمتر خواهد بود (قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). سبک‌های والدینی ناکارآمد (استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا) سیستم دلبستگی را ایجاد می‌کند که در آن فرد کارکرد درون‌روانی با انتظارات خاص (تلاش برای به دست آوردن توجه دیگران، غیرقابل اطمینان بودن دیگران و اجتناب از رابطه پایدار) را رشد می‌دهد، چنین کارکرد درون‌روانی، تعهد را که مهم‌ترین بعد صمیمیت در رابطه زناشویی است، خدشه‌دار کرده و فرد را برای خیانت زناشویی آماده می‌کند.

ماهیت پرسش‌نامه استعداد خیانت زناشویی و انتخاب افراد متأهل (به خاطر بار فرهنگی پرسش‌نامه که شریک زندگی^{۵۵} را مورد سؤال قرار می‌داد) جمع‌آوری داده‌ها و تعمیم آن‌ها را با محدودیت مواجه کرد. برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود، این مطالعه را در افراد مجرد و هم‌چنین در افراد متأهلی که خیانت در آنان روی داده است، مورد بررسی قرار دهند. در پژوهش حاضر سبک دلبستگی در دو بعد ایمن و نایمن مطالعه شد، توصیه می‌شود مطالعات آتی ابعاد دلبستگی نایمن (اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین) را نیز مشمول مطالعه خود کنند تا نحوه اثر و تعامل این ابعاد با شیوه‌های تربیتی والدین و آمادگی برای خیانت مشخص شود. نتایج مطالعات حوزه شیوه‌های تربیتی والدین و دلبستگی نشان می‌دهد که شیوه‌های تربیتی والدین مهم‌ترین نقش را در دلبستگی فرزندان دارد و نوع دلبستگی فرزندان به عنوان جزء مهمی از شخصیت، آینده تعاملات زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تاکید پژوهش حاضر به نقش بنیادین و اساسی شیوه‌های تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی در رقم زدن آینده روشن زناشویی فرزندان، لزوم توجه والدین به این دو متغیر مهم را بیش از پیش ضروری می‌کند. بدین لحاظ فراگیری شیوه تربیتی اقتداری به منظور ایجاد سبک دلبستگی ایمن و اصلاح روش‌های تربیتی مستبدانه، آزادگذار و بی‌اعتنا به منظور کاهش ایجاد سبک‌های دلبستگی نایمن و در نتیجه، کاهش آمادگی برای خیانت زناشویی را به والدین توصیه می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|---|
| 1. Extra-Marital | 30. Maccoby & Martin |
| 2. Atkins, Marin, Klann & Hahlweg | 31. Expectation |
| 3. Marital Infidelity | 32. Matejevic, Todorovic & Jovanovic |
| 4. Drigotas, Safstrom & Gentilia | 33. Karavasilis, Doyle & Markiewicz |
| 5. Schonian | 34. Lowell, Renk & Adgate |
| 6. Sexual Infidelity | 35. Answering |
| 7. Emotional Infidelity | 36. Authoritarian |
| 8. Cyber Infidelity | 37. Authoritative |
| 9. Infidelity Proneness | 38. Permissive |
| 10. Yarab & Allgeier | 39. Neglectful |
| 11. Fricker | 40. Cabral |
| 12. Feldman & Cauffman | 41. Ghanbari Hashemabady, Hatami Varzaneh, Esmaili, & Farahbakhsh |
| 13. Russell, Baker & McNulty | 42. Sharifi & Sharifi |
| 14. Attachment | 43. Parenting Style Questionnaire |
| 15. Berk | 44. Zeinali, Sharifi, Enayati, Asgari & Pasha |
| 16. Zeinali | 45. Van Oudenhoven-Hofstra & Bakker |
| 17. Bowlby | 46. Infidelity Proneness Scale |
| 18. Internal Working Models | 47. Mardia's Normalized Multivariate Kurtosis Value |
| 19. Attachment Style | 48. Darling |
| 20. Secure | 49. Van Ijzendoorn & Bekermans-Kranen-burg |
| 21. Preoccupied | 50. Speirs Neumeister & Finch |
| 22. Fearful | 51. Martens |
| 23. Dismissing | 52. Polek |

- | | |
|------------------------------------|----------------|
| 24. Ehrenberg, Robertson & Pringle | 53. Cabral |
| 25. Fam & Doui | 54. Goldenberg |
| 26. Fathi, Gorji & Esmaeily | 55. Partner |
| 27. Bartholomew & Horowitz | |
| 28. Mikulincer & Shaver | |
| 29. Baumrind | |

منابع

- فتحی، ا.، گرجی، ز. و اسمعیلی، م. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های والدینی و سبک‌های دلبستگی در مردان و زنان مرتکب خیانت زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری و شناختی*، ۱۱(۵)، ۳۷۴۳-۳۷۴۷.
- زینالی، ع. (۱۳۹۲). تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹(۳۳)، ۸۱-۶۳.
- زینالی، ع.، شریفی، ح.، عنایتی، م.، عسگری، پ. و پاشا، غ. (۱۳۹۰). گسترش و رواسازی پرسش‌نامه سبک‌های تربیتی والدین. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۲۹.
- شریفی، ح. و شریفی، م. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات سخن.
- قنبری هاشم‌آبادی، ب.، حاتمی‌ورزنه، ا.، اسمعیلی، م. و فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۳)، ۶۰-۳۹.
- Atkins, D. C., Marin, R. A., Klann, N., Hahlweg, K. (2010). Outcomes of Couples with Infidelity in a Community-Based Sample of Couple Therapy. *Journal of Family Psychology*, 24(2), 212-216.
- Bartholomew, K., Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4(2), 1-103.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and Loss*. New York: Basic Books.
- Cabral, I. (2017). Is it cheating? Examining parenting styles and attitudes towards Infidelity. *Scholarly & Creative Works*. <http://scholar.dominican.edu/scw/scw2017/all-conference/25>.
- Darling, N. (1999). *Parenting Style and Its Correlates on Elementary and Early Childhood Education*. Available forme. <http://ericecece.org/pubs/digests/html>.
- Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., Gentilia, T. (1999). An Investment model Prediction of dating Infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(3), 509-524.
- Ehrenberg, M. F., Robertson, M., & Pringle, J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(3), 204-219.
- Estep, H. M., & Olson, J. N. (2011). Parenting style, academic dishonesty, and infidelity in college students. *College Student Journal*, 45(4), 830-838.
- Fam, j., Doi, F. (2013) Attachment insecurity and infidelity in marriage: do studies of dating relationships really inform us about marriage? *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 27(2), 242-251.

- Fathi, E., Gorji, Z., & Esmacily, M. (2011). The Relationship between parenting styles and attachment styles in men and women with infidelity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5(11), 3743-3747.
- Feldman, S., Cauffman, E. (1999). Your cheatin' heart: attitudes, behaviors, and correlates of sexual betrayal in late adolescents. *Journal of Research on Adolescents*, 9(3), 227-252.
- Fricker, J. (2006). *Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, and the Investment Model*. Doctoral thesis in Psychology. Swinburne University of Technology.
- Ghanbari Hashemabady, B., Hatami Varzaneh A, Esmaili M., & Farahbakhsh K. (2011) Relationship between parenting styles, attachment and marital commitment in married women at Allameh Tabatabaei University. *Journal of Sociology of Women*. 2(7), 39-60 [in Persian].
- Goldenberg, I., Goldenberg, H. (2000). *Family therapy*. Scarborough, Ontario: Science Road.
- Karavasilis, L., Doyle, A., Markiewicz, D. (2003). Association's between parenting style and attachment to mother in middle childhood and adolescence. *International journal of Behavioral Development*, 27(4),153-164.
- Lowel, A., Renk, K., & Adgate, A. H. (2011). *The Role of Attachment in the Relationship between Child Maltreatment and later Emotional and Behavioral Functioning. A Dissertation in Counseling Psychology*. Master thesis in General Psychology, Orlando University.
- Maccoby, E., Martin, J. (1983). *Socialization in the Context of the Family: Parent-Child Interaction*. New York: Guilford Publications.
- Martens, P. (2006). Parenting and internal working models in peschool-age children. *The Sciences and Engineering*, 67(2), 13-45.
- Matejevic, M., Todorvic, J., Jovanovic, A.D. (2014). Paterns of family functioning and dimensions of parenting style. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 141(1), 431-437.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood*. New York: Guilford Press.
- Polek, E., Van Oudenhoven, J. P., Ten Berge, J. M. F. (2008). Attachment styles and demographic factors as predictors of sociocultural and psychological adjustment of eastern European emigrants in the Netherlands. *International Journal of Psychology*, 43(10), 919-928.
- Russell, V. M., Baker, L. R., & McNulty, J. K. (2013). Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships really inform us about marriage? *Journal of Family Psychology*, 27(2), 242-251.
- Schonian, S. (2013). *Perceptions and Definition of Infidelity: A Multimethod Study*. Master thesis in Marriage and Family Trapy, Berlin University.
- Sharifi, H., Sharifi, N. (2004). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran: Sokhan [in Persian].
- Speirs Neumeister, K. L., Finch, H. (2006). Perfectionism in high-ability student.The gifted child quarterly. *Academic Reserch Library*, 50(3), 238-251.
- Van IJzendoorn, M. H., Bakermans-Kranenburg, M. J. (1997). *Intergenerational Transmission of Attachment: A move to the contextual level*. New York: Guilford Press.

- Van Oudenhoven, J. P., Hofstra, J., Bakker, W. (2003). Development and evaluation of the Attachment Styles Questionnaire. *Journal of Research on Adolescents*, 58(16), 95-102.
- Yarab, P. E., Allgeier, E. R. (1998). Don't even think about it: The role of sexual fantasies as perceived unfaithfulness in heterosexual dating relationships. *Journal of Sex Education & Therapy*, 23(3), 246-254.
- Zeinali, A. (2013). [The Effect of parenting styles on children attachment dimensions]. *Quarterly Journal of Family Studies*. 9(33), 63-81[in Persian].
- Zeinali, A., Sharifi. H., Enayati. G., Asgari, p., & Pasha. G. (2011). Development and validation of parenting styles questionnaire. *Quarterly Journal of New Thoughts in Educational Sciences*. 6(3), 112-45[in Persian].